

دراسة دور عناصر الادلة اللغوية في تحليل الخطاب للنص

Investigation of the role of linguistic evidential elements in discourse analysis of the text

م.د. حيدر نعيم حمزة الزوامل(*)

Dr. Haider Naeem Hamza Al-Zawamil

haider.alzoamil@qu.edu.iq

سوم؛ تهران: نشر زوار به نقل از رضا زاده ؛ نسرین؛ سير تحول حروف اضافه در زبان فارسی؛ (کنفرانس بين المللی ادبیات و زبان شناسی).

• مشیری؛ فریدون؛ ۱۳۸۰؛ باز تاب نفس صبحدمان کلیات اشعار جلد یکم؛ چاپ سوم ؛ تهران: نشر چشمه.

غلام؛ علی زاده؛ ۱۳۸۲؛ ساخت زبان فارسی؛ تهران: احیا کتاب ؛ به نقل از رضا زاده؛ نسرین؛ بی تا؛ سير تحول حروف اضافه در زبان فارسی؛ (کنفرانس بين المللی ادبیات و زبان شناسی).

همایو نفرخ ؛ ۱۳۳۹ ؛ دستور جامع زبان فارسی ؛ تهران : مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علی؛ به نقل از مشکوه الدینی؛ مهدی ؛ دستور زبان فارسی برپایه نظریه گشتاری ۱۳۲۰ ؛ چاپ چهارم .

المستخلص:

يمكن دراسة التفاعل بين المتحدث / الكاتب مع الجمهور في الخطاب من بعدين مختلفين. احدهما يتم التطرق إليه من جانب الادوار المتداخلة بين الاشخاص الواردة في نظرية الدور (هليدي)، والاخر سيتم تناوله من خلال دراسة الشواهد والادلة في اللغة. وبعد هذا البحث نقطة مشتركة بين هذين الجانبين اللغويين لانه يعتمد على كيفية تواصل وتفاعل المشاركين في الحدث اللغوي وهو احد المبادئ الأساسية للمنهجين المذكورين. ووفقا لنتائج الدراسات الحديثة حول مكانة والدور الوظيفي والبنوي للعناصر اللغوية، تم تقييم دور ووظيفة تلك العناصر في تحليل الخطاب النصي. ومن خلال دراسة استخدام انواع مختلفة من الشواهد والادلة اللغوية، تم التقييم الكمي والنوعي للنصوص المختلفة بما في ذلك النصوص العلمية وغير العلمية (على وجه الخصوص النصوص الخيالية والسردية). وقد أظهرت نتائج تحليل البيانات أن اسس ومعايير الشهادة والدلالة اللغوية تساهم في تشكيل وتكوين نصوص لغوية مختلفة. لذلك فمن المهم دراسة هذه البنى باعتبارها احد العوامل اللغوية المؤثرة في تحليل الخطاب النصي .

الكلمات المفتاحية: الادلة و الشواهد ،هليدي، النص، تحليل الخطاب

(*) جامعة القادسية- كلية الآثار- قسم الدراسات المسماوية

Abstract:

The interaction between the speaker/writer with the audience in discourse can be studied from two different dimensions. Firstly, it is addressed from the interpersonal trans-role perspective presented in Halliday's role theory. Secondly, it is approached from the perspective of the study of testimony in language. This research has considered a common point between these two linguistic aspects since it is based on how the participants in the linguistic event interact, which is one of the main fundamental principles of the two mentioned approaches. According to the results of recent studies on evidence, position and the structural role of linguistic elements, these elements were evaluated in discourse analysis. Consequently, by examining the use of different types of evidence, various texts including scientific and non-scientific texts (specifically fiction and narrative texts, were evaluated quantitatively and qualitatively and the results of data analysis has been showing that evidence and testimonial structures contribute to the formation of various linguistic texts. Therefore, it is important to examine these structures as one of the influential linguistic factors in the analysis of textual discourse.

Keywords: evidences, Halliday, text, discourse analysis.

چکیده:

نحوی تعامل گوینده/نویسنده با مخاطبش درگفتار از دو بعد قابل بررسی است. اول از منظر فرانقش بینافردی مطرح شده دررویکرد نقشگرایی هلیدی و دوم از منظر مطالعات گواهنمایی در زبان. این پژوهش نقطه‌ی مشترک میان این دو جنبه‌ی زبانی محسوب می‌گردد، زیرامبتنی برچگونگی ارتباط میان مشارکان یک رویداد زبانی است که از مبانی اصلی دو رویکرد نام برده می‌باشد. با توجه به نتایج مطالعات اخیر درمورد گواهنمایی، موقعیت و کاربرد عناصر گواهنما در تحلیل گفتمان مورد ارزیابی قرار گرفت. از این رو، با بررسی کاربرد انواع گواهنما از لحاظ کمی و کیفی، متون مختلف شامل متون علمی و متون غیر علمی (بطور مشخص متون داستانی و روایی) ارزیابی گردید و نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد ساختارهای گواهنما در شکلگیری متون مختلف زبانی سهمیم هستند. بنابر این بررسی این ساختارها به عنوان یکی از عوامل زبانی تأثیرگذار در تحلیل گفتمان متن دارای اهمیت است.

کلید واژه‌ها: گواهنمایی، متن، هلیدی، تحلیل گفتمان

۱- مقدمه:

مطالعه‌ی دستور نقشگرایی نظاممند هلیدی (Halliday) از یک سو و بررسی عناصر گواهنمای زبانی از سویی دیگر نقطه‌ی اشتراکی را میان جایگاه گواهنمایی در زبان و حوزه‌ی تحلیل گفتمان پدیدار می‌سازد. طبق بررسی‌های زبانشناختی، در برخی زبانها ساختارهای منحصر ا گواهنما از ارکان ضروری دستور زبان محسوب می‌گردد و به صورتهای مختلفی همچون وند، واژه بست و اجزاء فعلی نمود می‌یابد. اما از آنجا که اصول گفتمانی وجود گواهنماها را در هر زبانی ایجاب مینماید، از این رو تفاوت میان زبانها را نمیتوان مشخصاً بر سر وجود یا عدم وجود مقولات گواهنما در زبان دانست؛ بلکه این امر که بروز گواهنمایی در زبانهای مختلف به چه نحو و با چه ویژگی و نیز در چه جایگاهی صورت می‌پذیرد، مسئله‌ی اصلی در پژوهشهای مربوط به گواهنمایی محسوب می‌گردد. طبق تحقیق (امیدواری، ۱۳۹۲) / (Omidvari, ۱۳۹۲) ساختارهای زبانی ایفاکننده نقش گواهنمایی در زبان فارسی در قالب صورتهای زبانی متفاوت از جمله زمان و نمود افعال، ساختارهای وجهنما، مجهولهای معنایی، ساختهای گزارش، واژگان گواهنما، شاخصها و نیز عبارات اضافی صورتبندی شده و برای بیان مفاهیم معنایی و وجهی، قطعیت و قطبیت کلام گوینده، تأیید درستی خبر و تأثیر بیشتر بر اطمینان مخاطب به کار می‌روند. بدین ترتیب حوزه‌ی عملکرد این ساختارهای زبانی در رویکرد تحلیل گفتمان هالیدی قابل ردیابی است؛ به گونه‌ای که در این رویکرد، فرانقش بینا فردی (محدوده‌ی عمل ساختارهای گواهنما محسوب می‌گردد. در این تحقیق، با در نظر گرفتن طرح دستور نقشگرایی هالیدی از یک سو و عملکرد مقولات گواهنما در این دستور، از منظری دیگر، هدف پژوهش حاضر که بررسی نقش گواهنماها در تحلیل زبانشناختی گفتمان متن است توجیه می‌گردد.

۲- بیان مسئله

از زمانی که (فرکلاف، ۱۹۸۵) / (Fairclough, ۱۹۸۵) گفتمان را چیزی فراتر از کاربرد زبان دانست و از دیدگاه وی زبان چه به صورت گفتار یا نوشتار عملی اجتماعی معرفی گردید، تا کنون آرای مختلفی در زمینه‌ی تحلیل گفتمان و بررسی عوامل زبانی و حتی غیر زبانی موثر بر آن مطرح شده است. (آفالگ زاده، ۱۳۸۵) / (Aghagolzade, ۱۳۸۵) به تفصیل به نظریات مطرح شده در این مورد پرداخته است؛ و آرای محققانی همچون (آدام یاورسکی و نیکولاس کاپلند، ۱۹۹۹) / (Coupland & Jaworski, ۱۹۹۹)، (نونن، ۱۹۹۹) / (Nunan, ۱۹۹۹)، (ملمجیر، ۲۰۰۴) / (Malmkjar, ۲۰۰۴) را مورد بررسی قرار داده است. (ملمجیر، ۲۰۰۴، ص: ۱۰۱) / (Malmkjar, ۲۰۰۴، p: ۱۰۱) در زمینه‌ی گفتمان سه رویکرد اصلی را معرفی نمود که اولین رویکرد آن، بنیادی زبانشناختی داشته و تحت تأثیر آرای مایکل هلیدی می‌باشد.

پس از بررسی آراء مختلف در این مورد، چارچوب تحلیل گفتمان هلیدی با عنوان دستور نقشگرایی نظاممند رویکردی جامع و بهینه در تحلیل گفتمان معرفی می‌گردد. این رویکرد، انگارهای کاربردی

و هدفمند برای ورود به جنبه‌های کاربردی توصیف زبان است. در پژوهش حاضر که پژوهشی زبانشناختی است، با بررسی لایه‌های معنایی مطرح شده از سوی هلیدی، میتوان پایگاهی برای عناصر گواهنما در زبان در نظر گرفت و چگونگی عملکرد آنها را در تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار داد. سوال اصلی در این تحقیق این است که از منظر زبانشناختی، شناسایی و بررسی ساختارهای گواهنما در متن چگونه به تحلیل گفتمان کمک میکند؟ در این مرحله فرض بر این است که اگر ساختارهای گواهنما را جزء عوامل زبانی موثر بر متن بدانیم، بنابراین بررسی آنها لازمی انجام پذیرفتن تحلیلی جامع در گفتمان بوده و از اهمیت به سزایی برخوردار است.

۳- چارچوب نظری پژوهش

مدل نقش‌گرایی (هلیدی، ۲۰۰۴)/ (Halliday, ۲۰۰۴) مبتنی بر معنایی است که از بافت غیرزبانی حاصل میشود و سپس به صورت ساختارهای زبان نمود مییابد. هلیدی برای معنا چهار لایه بنام فرانش در نظر میگیرد که بطور همزمان عمل میکنند. فرانش بینافردی، یکی از این لایه‌های باز نمایی معنی به زبان است. این فرانش نحوی تعامل بین مشارکان در یک رویداد زبانی را بازگو میکند. فرانش بینافردی، زبان را ابزاری برای ایجاد ارتباط با دیگران، تأثیر بر رفتار و افکار آنها و بیان دیدگاه‌های فردی میداند. برخی از مقولات زبانی، همچون کارگفتها و جهنمایی در این بخش کاربرد دارند. از این

رو، میزان قطعیت یا اطمینانی که از سوی گوینده/نویسنده به واسطه‌ی این ساختار ابراز میگردد، تأثیر به‌سزایی در نگرش مخاطب دارد. با در نظر گرفتن عملکرد عناصر گواهنما در زبانها، ساختارهای گواهنما که به اعتقاد بسیاری از محققان از جمله (چیف و نیکولز، ۱۹۸۶)/ (Chafe & Nichols, ۱۹۸۶) علاوه بر نقش اولیه‌ی معرف منبع خبر، نقش انتقال نگرش و اطمینان گوینده به مخاطب (شامل قطعیت، احتمال، تردید و...) را به عهده دارند، در حوزهی عملکرد همین فرانش قرار میگیرند.

(آخنوالد، ۲۰۰۶، ص: ۶۳)/ (Aikhenvald, ۲۰۰۶، p: ۶۳ نیز در طرح تقسیم‌بندی معنایی گواهنماها، نحوی کسب خبر را از طریق انواع گواهنمای مستقیم و غیرمستقیم ممکن میداند که در قالب انواع گواهی‌های زیر نمود می‌یابد:

- دیداری: گواه بر مبنای دیدن شخص گوینده مییابد.

- غیردیداری: حواس دیگر گوینده غیر از بینایی در شکلگیری این گواه مؤثرند.

- استنباطی (استدلالی): بر مبنای گواه لمسی یا دیداری و نتیجه‌گیری و استنباط و گاهی استدلال گوینده از شرایط موجود شکل میگیرد.

- حدس و گمانی: بر اساس گواهی که نتیجه‌ی حاصل از دیدن وقایع حسی نباشد، یا بر مبنای دانش عمومی و عقاید فردی شکل میگیرد.

- شنیده (شایعه): خبر گزارش شده بدون ارجاع به منبع خبر یا شخصی که گزارش داده است.

- نقل قولی: خبر گزارش شده با ارجاع به منبع یا نقل قول مستقیم از منبع خبر.

در این تقسیم بندی گواه دیداری، گواه مستقیم و گواهی‌های دیگر، گواهی‌های غیرمستقیم با درجات اعتبار خبری متفاوت در نظر گرفته شده‌اند. (آخنوالد، ۲۰۰۶، ص: ۳۰۷)/ (Aikhenvald, ۲۰۰۶، p: ۳۰۷ به نقل از (بارنز، ۱۹۸۴)/ (Barnes, ۱۹۸۴) گواهنمای دیداری را گواهنمایی مستقیم (دست اول) و مقدم بر گواه‌های دیگر میداند. وی سلسله مراتبی مشابه با آنچه بارنز برای زبان تارینا (از زبان‌های بومی آمریکای جنوبی) پیشنهاد داده برای تمامی زبانها صادق میداند که به شرح زیر است:

(مفروض) حدس و گمان > گزارشی > استنباطی > غیردیداری > دیداری
بررسی این ساختارها در جملات زبان میتواند معادل با بخشی از کار تحلیل گفتمان باشد و مفاهیم برآمده از آنها به تحلیل متن کمک شایانی بنماید).

۴- پیشینه ی تحقیق

صرف نظر از اختلاف نظر پژوهشگران در مورد مستقل بودن و دستوری بودن مقوله‌ی گواهنمایی در زبان (یاکوبسن، ۱۹۵۷)/ (Jakobson, ۱۹۵۷)، (متیوس، ۱۹۹۷)/ (Matthews, ۱۹۹۷)، (دیهان، ۱۹۹۹)/

(Dahan, ۱۹۹۹)، (لازارد، ۲۰۰۱)/ (Lazard, ۲۰۰۱)، (دی لنسی، ۲۰۰۱)/ (Delancey, ۲۰۰۱)، (آخنوالد، ۲۰۰۴)/ (Aikhenvald, ۲۰۰۴) و مستقل نبودن یا در نظر گرفتن آن به عنوان زیرمجموعه‌ی وجه نمایی (چیف و نیکولز، ۱۹۸۶)/ (Chafe & Nichols, ۱۹۸۶)، (پالمر، ۲۰۰۱)/ (Palmer, ۲۰۰۱)، (ویلت، ۱۹۸۸)/ (Willett, ۱۹۸۸)، (گارت، ۲۰۰۱)/ (Garrett, ۲۰۰۱)، (فالر، ۲۰۰۲)/ (Faller, ۲۰۰۲)، از آن جا که هر زبان شیوه‌های متفاوت گزارش خبر را داراست، باید سازوکاری برای مشخص کردن منبع خبر و در برخی موارد اعتبار و صحت آن داشته باشد. مطالعات زبانشناختی نشان داده است که مقولات گواهنما در ارتباط کلامی، از سوی گوینده یا نویسنده برای معرفی منبع خبر و یا تأثیر بر نگرش مخاطب به کار گرفته میشوند. (هاردمن، ۱۹۸۶، ص: ۱۱)/ (Hardman, ۱۹۸۶، p: ۱۱) بیان میدارد گواهنماها، مقولاتی هستند که با وجود اجباری بودنشان، بر ادراک و حتی اندیشه‌ی آگاهانه تأثیر گذارده، و نقش مهمی در درک و شناخت افراد نسبت به انسانهای دیگر و نسبت به جهان ایفا میکنند. گواهنماها ابزاری قدرتمند برای تحقق بهیمنی گفتمان هستند و کمک میکنند که تأثیرات ظریف و ماهرانه‌ی در متن حاصل آید. دانستن اینکه چه گواه نمایی را چه موقع بکار ببریم، روشی مهم برای نشان دادن تخصص فرد است. (باسو، ۱۹۹۰، ص: ۱۳۷)/ (Basso, ۱۹۹۰، p: ۱۳۷). (لازارد، ۱۹۹۹، ص: ۹۳-۶۳)/ (Lazard, ۱۹۹۹، pp: ۹۳-۶۳)

معتقد است وقتی سخنگوی زبان، گواهنمای غیردست اول بکار میبرد، درواقع شیوهی گفتن را انتخاب کرده که در آن از رویداد به صورت واسطه‌ای، بدون مشخص نمودن چگونگی روی دادن آن صحبت کند و فاصله‌ی خودش را از آنچه میگوید، حفظ کند. یعنی در آن کار یا وضعیت نقشی نداشته است. به همین دلیل است که در بسیاری از نظامهای گواهنمایی، گواهنمای غیردست اول معمولاً تأثیر "فاصله" را القاء مینماید. وقتی گوینده روش غیردست اول را برمیگزیند، درواقع بیش از اینکه مشارک درکار یا وضعیت یا رویداد باشد، به صورت مشاهده‌گر خارج از رویداد جلوه مینماید. وی با اشاره به جملهی "در این سرزمین همیشه بارانهای سیلاسا میباریده‌اند" نقش گواهنمایی وجه کامل فعلی در زبان فارسی را به عنوان گواهنمای غیر مستقیم خاطر نشان میکند.

نقش اصلی گواهنما، روشن نمودن اینست که خبر از کجا آمده و منبع خبر چه بوده است. دانستن منبع دقیق خبر به شنونده کمک میکند با اطمینان بیشتری حرف گوینده را بپذیرد. وجود گواهنماهای دستوری دریک زبان، لزوم داشتن دقت دربارهی منبع خبر را بیان میکند. این امر از نیازهای اصلی برای ارتباطی موفق و روشی مؤثر برای جلوگیری از سوء تعبیرهای احتمالی است. درزبانهای بدون گواهنمایی دستوری، منبع خبر یا مبهم میماند، یا به بخشی از معنای ضمنی تبدیل میشود (آخنوالد، ۲۰۰۶، ص ۳۳۳) / (Aikhenvald, ۲۰۰۶, p: ۳۳۳). گویشوران این زبانها برای رفع همین ابهام است، که

متوسل به ساختارهای زبانی دیگر میشوند تا از مطلب، ابهام زدایی نموده و تسلط و یقین خود را بر موضوع به مخاطب یادآوری کنند.

در زبان انگلیسی که فاقد گواهنماهای دستوری به شکل پسوند، واژه بست و اجزاء فعل میباشد، مجموعه‌های غنی از گواهنماها در هیأت افعال وجهی، قیده‌ها، عبارات اصطلاحی و گواهنماهای واژگانی وجود دارد (چیف ۱۹۸۶، ص ۲۶۱) / (Chafe & Nichols, ۱۹۸۶, p: ۲۶۱). در زبان فارسی نیز با اینکه گواهنماهای دستوری (صرفاً در نقش گواهنما) وجود ندارد، اشکال مختلف زبانی در جایگاه ثانویه نقشی خود، کارکرد گواهنما داشته و با اینکه کاربرد اولیه آنها گواهنمایی نیست، و نام گواهنما ندارند نقشهای مختلف گواهنمایی را پذیرفته و این نقش را درگفتن ایفا مینمایند. (پارمحمدی، ۱۳۷۲، ص ۷-۲۶۶) / (Yarmohammadi, ۱۳۷۲, pp: ۷-۲۶۶)، میزان قطعیت یا افعال وجهی در کلام را یکی از نتایج عملکرد تعاملی (بینافردی) زبان میدانند و میگویند: میزان قطعیت عبارت است از نگرش گوینده یا نویسنده نسبت به میزان توفیق انجام عمل. یک سوال را میتوان با قطعیت تمام با نفی و یا اثبات جواب داد..... ضمن آنکه گوینده با استفاده از افعال و تعبیرات خاص مانند "احتمال دارد"، "ممکن است"، "احتمالاً"، "شاید" و غیره مطلب را با درجات متفاوتی از قاطعیت بیان میکند. این مسئله در نظر هلیدی به حدی اهمیت دارد که برای احتمالات و درجه‌ی قطعیتی که از گوینده به مخاطب صادر میگردد نیز، بخشی با نام ظرافت یا درجه‌بندی احتمال ها در نظر گرفته است. از این رو. در تحلیل جملات

مختلف از لحاظ نوع گواهنمایی هم میتوان تمایز قایل شد. (فرکلاف، ۲۰۰۱، ص ۱۰۷) / (Fairclough, ۲۰۰۱, p: ۱۰۷) بیان قطعیت کلام را علاوه بر افعال وجهی و کمکی در زمان فعل و نیز قیده‌ها میداند. وی افعال زمان حال را در جمله، شیوه‌های برای بیان حقیقت گزاره بیان میکند. همچنین برای قیده‌ها ارزش احتمالی نسبی قائل است. وی برای مثال به گزارشهای روزنامه‌های اشاره مینماید که معمولاً از زمان حال بدون سازهای وجهی و قیده‌ها استفاده میکنند که تردیدی در خواننده ایجاد نکنند و وی را مجبور به تعبیر و تفسیر خبر از سوی خود ننمایند.

۵- کاربرد گواهنمایی در تحلیل گفتن متون: با استناد به تحلیل داده‌های زبان فارسی

در بررسی متون علمی شامل دو مقاله و دو کتاب و مقایسه‌ی آن با متون روایی و داستانی، کارکرد عناصری که نقش گواهنما را در فارسی ایفا میکنند و به حوزه‌ی فرانقش بینافردی زبان تعلق دارند، به شرح زیر مورد مطالعه قرار گرفت:

۱) متون علمی الف) زمان نمود افعال:

مشخصترین صورت زبانی با کارکرد گواهنما که از دیرباز نیز مورد توجه محققین در دستور زبانهای ایرانی بوده است، تلفیق زمان و نمود کامل میباشد. هرچند توافق صریحی بر این مقولات زبانی به عنوان گواهنما وجود ندارد، اما در اشارات محققین بسیاری، القای مفهوم گواهنمایی غیر مستقیم

و دست دوم یکی از کاربردهای نمود کامل در زبان فارسی میباشد. گواهنمای غیر مستقیم از لحاظ معنایی به روشهای غیر دیداری، اس تنباطی، استنتاجی، گزارشی و شنیدها کسب میگردد. استفاده از زمان گذشته و حال ساده و اجتناب از استفاده از نمودهای کامل در گزارشهای علمی و پژوهشی نیز مؤید این مطلب میباشد. استفاده از زمان حال ساده با وجه اخباری، از لحاظ گواهنمایی همانند تعریف معناشناختی خود، به مسائل بدیهی، مکرر، شناخته شده، مورد قبول همه و حقایق مشخص اشاره دارد. برعکس، کاربرد وجه التزامی، تأثیری فاصله‌انداز میان گوینده و خبر داشته و گوینده با کاربرد آن تضمینی برای صحت خبر ندارد. درواقع میتوان گفت که وجه التزامی حاوی خبرهای غیر دست اول میباشد.

راب خاکستری یکی از مهمترین آفات باغات ونهالستانهای مرکبات در استان مازندران به شمار می‌آید. (حلاجیثانی و احمدی، ۲۰۱۱) / (Halajisani & Ahmadi, ۲۰۱۱).

- برای گویاتر کردن بحث فوق آوردن یک مثال دیگر ضروری به نظر میرسد (دبیرمقدم، ۱۳۸۳، ص ۳۳۱) / (Dabirmoghaddam, ۱۳۸۳, p: ۳۳۱). گاهی نویسنده نقلقولهای موثق و در دسترس را با آدرس ارجاع دقیق به صورت فعل با نمود کامل نقل کرده است. این امر شاهدهی بر تأیید این مسئله است که گواهنمای غیر مستقیم با نمود کامل به

کار میروند اما در متن علمی با دادن مشخصات منبع خبر، ابهامی در زمینه اعتبار آن باقی نمیماند.

- چامسکی بخشی از مقالهی خود را به نقد دستور حالت اختصاص داده است (چامسکی، ۱۹۷۲، ص ۹۸-۱۰۵) / (Chamski, ۱۹۷۲, pp: ۹۸-۱۰۵) / (دبیر مقدم، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷) / (Dabirmoghaddam, ۱۳۸۳, p: ۳۲۷).

ب) ساختارهای وجهی: طبق نظر (لاینز، ۱۹۷۷، ص ۴۲۵) / (Lainz, ۱۹۷۷, p: ۴۲۵) "وجه" رویکردی است که انعکاس نظر و دیدگاه گوینده را بازتاب داده و تنها از بعد مربوط به قطعیت یا امکان درستی و دقت خبر و اطلاع در گفتمان اهمیت مییابد که طبق تعابیر دیگر به وجه برداشتی معروف است. تنها این بعد است که به گواهنمایی ارتباط مییابد چون به میزان پابندی گوینده در قبال درستی یا نادرستی خبری که میدهد مرتبط است. به بیان سادهتر آن بخشی از وجهنمایی مربوط به گواهنمایی است که مربوط به وضعیت برداشت یا شناخت گوینده باشد. و در واقع همچون شاهد و گواهی برای آنچه میگوید بوده و از اینرو میتواند تأثیر زیادی بر مخاطب خود بگذارد. همین امر چگونگی ارتباط مفاهیم گواهنمایی و گفتمان را آشکار میسازد.

دو فعل وجهی "بایستن و توانستن" در نمونههای زبانی، آنجا که مفهوم امکان و احتمال و درجهی احتمال پذیری را میروسانند در واقع نقش گواهنمایی دارند چون بازگوکنندهی یقین

یا تردید گوینده و مسئولیتپذیری گوینده نسبت به آنچه میگوید، میباشد.

- به عنوان جمعبندی این بخش از بحث باید بگوییم... (دبیرمقدم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۲) / (Dabirmoghaddam, ۱۳۸۳, p: ۳۵۲). بر این اساس (به این ترتیب) میتوان گفت: ... (همان)

بررسی نمونههایی از افعال وجهی استفاده شده در متون علمی نشان میدهد که کارکرد این عناصر زبانی در جایگاه گواهنما، اگر به "ضرورت یا الزام" تعبیر نگردد، به دلیل ایجاد مفهوم استنباط، استدلال یا استنتاج شخصی گوینده نمیتواند نقش گواهنمای مؤکد و مطمئن را ایفا نماید. بیشتر عناصر زبانی که در دستورهای زبان فارسی با عنوان قیدهای تردید و احتمال و امکان و قیود تصدیق و تأکید و ... از آنها نام برده شده است، در گروه قیدها و عناصر وجهی قرار میگیرند. این عناصر قطعیت و قطبیت کلام را مشخص نموده و تکلیف مخاطب را در برداشتی که از کلام گوینده دارد روشن مینماید. در واقع این کلمات میزان اعتبار سنجی و درجهی اعتماد به سخن را جلوهرگر میسازد.

- مؤلف تفسیر نعمانی، ابو عبدا... محمد بن ابراهیم است. احیاناً به نام ابن ابی زینب خوانده میشود. شاگرد شیخ کلینی است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۹۴) / (Motahari, ۱۳۸۷, p: ۳۹۴).

- چهارده تفسیری که نام بردیم، ظاهراً معروفترین، مشهورترین و رایجترین

تفاسیر اهل تسنن تا قرن سیزدهم است (همان: ۳۹۴). احیاناً و ظاهراً همانند قیدهایی همچون احتمالاً، شاید، تقریباً، محتملاً و ... از یقین گوینده در گفتارش کاسته و این آگاهی را به مخاطب میدهد که گوینده در اثبات این موارد مسئولیتی به عهده نخواهد گرفت.

قیدهای احتمال در متون علمی بسیار کم کاربرد هستند، زیرا در این نوع گفتمان هر مطلب و جملهی که گوینده یا نویسنده بیان میکند، باید بر مبنای مشاهدات، استدلالها و مستندات قوی باشد تا اعتبار آن محفوظ بماند، از این رو. احتمال و امکان استفاده از آنچه ایجاد تردید مینماید بسیار کاهش مییابد. از بررسی چهار متن علمی در این پژوهش، قیدهایی همچون معمولاً، غالباً و اکثراً در این متون مشاهده گردید که بطور معمول با جملات اعتقادی، اصول کلی، تعاریف یا کاربرد مکرر نمونه ها یا مثال ها همراه بود.

- در ادبیات مربوط به دستوری شدن، غالباً اعتقاد بر این است که (استاجی، ۱۳۸۶) / (Staji, ۱۳۸۶).

پ) ساخت مجهول: استفاده از ساخت مجهول برای گواهنمایی در کلیه گفتمانهای زبانی رایج است. برخی از جملات متون علمی ساختار مجهول دارد اما تنها از این لحاظ که معمولاً در چنین متنی گوینده یا محقق ترجیح میدهد از ضمیر "من" و اول شخص استفاده نکند، از این رو. به ساخت مجهول متوسل میگردد. این در حالی است که این ساخت در چنین متنهایی به نویسنده و محقق

ارجاع داشته و اساساً شرایط ویژهی نوشتاری به ویژه بهره بردن از امتیازات مختصهی نشانداری در زبان عامل اصلی آن محسوب میگردد.

- توری ها هر سه روز یکبار مورد بازدید قرار گرفت و زمان جفتگیری، تخم ریزی و تغذیه آفت یادداشت گردید میاید (حلاجیانی و احمدی، ۲۰۱۱) / (Ahmadi, ۲۰۱۱).

جملاتی که به ویژه در بخش مواد و روشها در مقالههای علمی به کار میرود، شامل دویژگی مجهول بودن و زمان گذشتهی ساده است. پیشتر در تبیین نقش گواهنمایی زمان و نمود، زمان گذشتهی ساده را گواهنمای مستقیم دانستیم چون نشان میدهد گوینده شاهد و ناظر بر کار بوده است. از طرفی دیگر، مجهولهای معنایی مانند: "نقل میکنند و آورده اند" در زبان فارسی همانند بسیاری از زبانهای دیگر نوعی گواهنمای غیر مستقیم محسوب میگردد. استفاده از چنین ساختهایی در زبان، نشانهی این است که گوینده گواه در دسترسی ندارد. از این رو بازگوکنندهی شنیدهها یا شایعهها میباشد. بنابراین این نوع گواه نما در متون علمی مورد استفاده نیست.

ت) گزارش و نقل قول: از مهمترین، پرکاربردترین و معتبرترین گواهنماهای زبانی، گزارش، نقل قول و ارجاع به منابع معتبر میباشد. از آنجایی که این گواها در دسترس هستند و درستی و نادرستی آنها با اندکی تحقیق قابل بررسی است، کاربردشان

در متون علمی هم اعتبار افزا و هم بسیار زیاد است.

آنچه در این بخش اهمیت زیادی مییابد اینست که ساختارهای گزارشی، نقل قولی وارجاعی هم مشخصاً به منبع خبر اشاره میکنند و هم به واسطه‌ی آن از نظر گوینده و مخاطبش کاملاً مورد قبول و معتبر میباشند. از این رو. تنها ساختارهایی محسوب میگردند که ویژگیهای مهم گواهنمایی را دربر میگیرند. در زبانهایی که دارای گواه نماهای دستوری نمیباشند، ساخت گزارش، نقل قول و ارجاع به منبع دارای اهمیت ویژه‌ای هستند.

- جرجی زیدان می گوید: "همینکه مسلمین در صدد فهم معانی قرآن برآمدند، طبعاً به درک معانی گفته‌های حضرت رسول (ص) احتیاج یافته تا با فهم معانی احادیث نبوی، معانی قرآن را بهتر درک کنند.... (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۴۰۶)/(Motahari, ۱۳۸۷, p: ۴۰۶).

- لیکاف با اعلام اینکه این دو جمله هم معنا هستند استدلال کرده است که رابطه‌ی هم معنایی و روابط دیگر بین این دو را میتوان با اشتقاق جمله ۵/۱ از ساخت زیرین جمله‌ی ۵/۲ توجیه کرد [ص ۱۰۶] (دبیرمقدم، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶)/(Dabirmoghaddam, ۱۳۸۳, p: ۲۴۶). ارجاع دقیق به منبع خبر علاوه بر ساختارهای گزارشی نیز در متون علمی اهمیت دارد. زیرا اگرچه گوینده مسئولیت مستقیم درستی و اعتبار خبر را نمیپذیرد اما علمیتین راه را برای انتقال دانش برگزیده است. بدین ترتیب هرچه منبع خبر معتبرتر باشد، سبب

افزایش اعتبار گوینده یا نویسنده و متن مورد نظر است.

ث) واژه‌های گواهنما: عناصر واژگانی در زبانها میتوانند نقش گواهنما را ایفا نمایند اگر به واسطه‌ی آنها منبع خبر مشخص شود یا به نحوی استفاده شوند که گوینده و مخاطب نگرشی خاص به خبر و درستی آن داشته باشند. به عنوان مثال، فعلی که به واسطه‌ی آن گوینده گواه بر رویداد یا خبر محسوب میگردد علاوه بر وجوه نقشی، معنایی و نحوی نقش گواه نمایی هم به عهده میگیرد. بدین صورت در بسیاری موارد فعل "دیدن" حاکی از گواه مستقیم و در بسیاری زبانها معتبر و در دسترس مییابد زیرا شاهد و گواهی که ناظر بر ماجرا بوده، گوینده‌ی خبر نیز می باشد. عبارت "همانگونه که در شکل مشاهده میگردد..." در آثار علمی، گواه مستقیم دیداری را در اختیار خواننده قرار می دهد.

فعل "شنیدن و احساس کردن" از افعال حسی است که گواهنمایی در آن ها برخلاف فعل "دیدن" گواه نمای دست اول محسوب نمیشود. "احساس کردن" همانند عبارات "به نظر من" و "به نظر میرسد" حاکی از نظر شخصی گوینده است و تنها میتواند گواهی استنباطی یا حدس و گمانی محسوب گردد. از این رو از اعتبار بالایی برخوردار نیست و معمولاً در متون علمی به کار نمیرود. افعال ادراکی مانند "دانستن، حدس زدن، گمان کردن، یقین داشتن، اطمینان داشتن، پنداشتن، فکر کردن و اعتقاد داشتن و..." درجات مختلف اعتبار را در ارائه‌ی خبر به عهده میگیرند. در متون

علمی از سوی گوینده، معمولاً هیچ گونه فعل تردیدی یا مبتنی بر حدس و گمان استفاده نمیشود اگر هم چنین ساختارهایی مشاهده شود معمولاً نقل قول و گزارش مییابد.

برخی از واژه‌های زبان در ذات خود دارای خاصیت گواهنمایی میباشند. در واقع وجود این واژه‌ها، به عنوان شاهد و گواه برای اثبات ادعای گوینده لازم است. هر چند که مهمی واژه‌ها، مؤید قاطع خبر نیستند و برخی از اسامی و به ویژه صفات سبب ایجاد تردید در خواننده میشوند اما به هر صورت نقش گواهنمایی را همچون عناصر وجهی به عهده میگیرند. از جمله‌ی این کلمات، واژه‌هایی همچون "شاهد، گواه، آمار و ارقام، مثال، نمودار، شکل، کامل، محدود، قاطع، مسلم، قطعی، لازم، ضروری، احتمال، امکان، در حدود، در واقع، حداقل، هیچ، زیاد، خیلی، دستکم، نوعاً ز، مثلاً"، فقط، حتی، آشکار، واضح، بدیهی، خود "و کلماتی از این قبیل هستند که بیشتر آنها در برگیرنده‌ی انتظاراتی هستند که با توجه به موقعیت از سوی گوینده مطرح میشوند و به همین منوال مخاطب نیز با توجه به چنین ساختارهایی آنها را با آنچه در ذهنش مییابد تطبیق میدهد. مثلاً واژه‌ی "در حدود" وقتی به کار میرود که ارائه‌ی رقم و میزان مشخصی میسر نباشد یا نویسنده بخواهد از دادن آمار دقیق طفره رفته و با احتیاط عمل کند به همین دلیل مناسب استفاده در متون علمی نیست.

- آنچه مسلم است این است که مسلمین نهایت کوشش را به کار می بردند تا قرآن کریم را آنچنان قرائت کنند که شخص رسول اکرم قرائت می کرده اند. (مطهری، ۱۳۸۷، ص

۳۹۲)/(Motahari, ۱۳۸۷, p: ۳۹۲)

- همانطور که در نمودار ۱۱۰ پیداست، این تحلیل در آن نمودار متجلی نیست (دبیرمقدم، ۱۳۸۳، ص ۵۰۳) / (Dabirmoghaddam, ۱۳۸۳, p: ۵۰۳).

عبارات فعلی شامل مواردی همچون «به نظر رسیدن»، «محتمل بودن»، «امکان نداشتن»، «احتمال داشتن» و نیز «مسلم بودن»، «بدیهی بودن»، «آشکار (واضح) بودن»، «معلوم بودن»، «لازم بودن» و «ضروری بودن» ارتباط نزدیکی با بحث گواهنمایی پیدا میکنند به نحوی که هر چند مشخصکننده منبع خبر نمیباشند اما در متون مختلف به منظور تأکید یا رفع مسئولیت گوینده به کار رفته و سبب ایجاد نگرش اطمینان بخش یا تردیدآمیز در مخاطب میشوند.

- به نظر میرسد که قابلیت حذف برخی حروف اضافه در زبان فارسی این صورت اخیر را بدست داده باشد. (پیدایش حروف اضافه از نام اندامهای بدن). استفاده از چنین ساختی همراه با وجه التزامی فعل در یک مقالهی علمی، بازگوکننده‌ی نظر شخصی نویسنده و گواه استنباطی است و از لحاظ گواهنمایی، تردیدآمیز محسوب میگردد.

۲) متون غیر علمی (داستانی و روایی) در این پژوهش ویژگیهای عناصر گواهنما در دو متن داستانی مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت چشمگیری را با متون علمی نشان داد.

الف) زمان - نمود افعال: زمان و نمود در گفتار روایتی، بسته به

زاویه دید راوی نسبت به رویداد میتواند تغییر نماید. اگر راوی بخواهد به نحوی نشان دهد که خود شاهد ماجرا بوده، از گواهنمای مستقیم که در اینجا زمان-نمودهای غیرکامل میباشد به ویژه زمان گذشتهی ساده به صورتی استفاده میکند که مخاطب مجاب گردد وی خود ناظر بر امور بوده است. اما در صورتی که بخواهد فاصلهی خود را از رویداد به هر دلیلی حفظ کند یا امری را تکذیب نماید یا از درستی و نادرستی رویداد و خبری که میدهد مسئولیتی به عهده نگیرد از گواهنمای غیرمستقیم و در داستان و روایت ترجیحاً از گواهنمای گزارشی بهره میگیرد. قاعده بر این است که وقتی گواه گوینده دست اول است یا از منظر گوینده صحبت میشود با کاربرد این زمان به شنونده یا خواننده اطمینان بیشتر و فضای مجسّمتر و واضحتری لقاء گردد.

- سید میران سرابی جلوی درگاهی دکان با بی حوصلگی پابه پا می‌کُرد؛ غیر از یک روز تمامی که در خانه منتظر شده بود، سه روز پیاپی بود که صبحها و حتی بعد از ظهرها آنجا وقتش بیهوده می‌گذشت. (شهر آهو خانم، افغانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱) / (Afghani, Showhar _e Ahour ۱۴۱: p, ۱۳۹۱, Khanom).

- از عمق خاموش بیابان و میان غبار و همخیز نیمروز، سواری به سوی محلهی کلمیشی پیش می‌شتافت. (کلیدر، دولتآبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵۱) (Dowlatabadi, ۱۳۸۲: p, ۲۲۵۱, kelidar).
- خانعمو گفت: از طرف کاشمر آمده‌اند. نوروز بیگ داوطلب شده بوده، یک سروان امنیه هم با گله همراه بوده که گریخته.

پسلهشان هم امنیه‌ها بوده‌اند که لابد بنا بوده بعدش وارد کارزار بشوند که نشده و عقب نشسته‌اند. (همان، دولتآبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۲۶) / (Dowlatabadi, ۱۳۸۲: p, ۲۳۲۶).

همانگونه که مشاهده میشود نقل قولها در جایگاه گواهنمای غیرمستقیم با نمود کامل و گاهی وجه التزامی همراه است. اگر بنا به تأثیرگذاری بر نگرش مخاطب در امر پذیرش خبر باشد، به واسطهی گواهنمایی در متن روایی-داستانی، فضایی مجازی، خیالی و ذهنی ترسیم میگردد ولی در متن علمی استفاده از افراد، مکانها و زمانهای حقیقی، ذهن را به پذیرش واقعیت نزدیکتر میکند. در این راستا نقش و کارکرد گواهنمایی در تحلیل متون، برجسته‌تر میشود.

(ب) ساختارهای وجهی:

کاربرد افعال وجهی در قالب برداشتی و نیز وجه التزامی، بیانگر گمان و اظهار نظر گوینده است که در متنی روایی-داستانی، گواهنمای معتبری محسوب نشده و کاربردش مرتبط به برداشت و ذهنیت گوینده است که شنونده بر مبنای آن بر حال و هوای داستان اشراف مییابد.

- بلقیس چار چشم باید میداشت تا بتواند زندگانی فرزندان را در دو سوی بنگرد... (همان، دولت آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶۳) / (Dowlatabadi, ۱۳۸۲: p, ۲۲۶۳).

- هنوز هم شک دارم که آن روباه سر قولش مانده باشد... (همان، دولت آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۶۸) / (Dowlatabadi, ۲۰۰۳: p, ۲۲۶۸).

(۲۲۶۸).
- اگر نیامده بودم و با تو گفتگو نکرده بودم، آسوده نبودم... (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳۱) / (۱۳۸۲: p, ۲۳۳۱).

در این گونه متنها، ترکیبهای بسیار زیادی از کلمات و قیدهای وجهی، تأکیدی و تردیدی در بیان تصورات و روایت داستان از ذهن گوینده وجود دارد. نویسنده علاوه بر اینکه با استفاده از چنین ساختارهایی قصد دارد زیباییهای ساختاری نثر ادبی را ذکر کند اما از سویی دیگر گاهی با استفاده از این عناصر مسئولیت تجزیه و تحلیل قطعی را به عهده خواننده گذاشته و خود با فاصله از داستان حرکت میکند.

- جوان و جوانسر بود شاید یا به مهمی گسیل شده بود که چنین بیپروا و جسور اسب به خرگاه پیش می‌تازانید یا پندار پیامی به سود سردار، سوار را به جنون و وجد درآورده... (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵۲) / (۱۳۸۲: p, ۲۲۵۲).

- اما خطوط پیشانی و حالات چهره‌ی مرد گوناگون نمیشدند، بل صبور و یکنواخت و گویی به عمد نگاه به خاک دوخته بود... (همان، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵۲) / (۲۲۵۲: p, ۱۳۸۲, ۲۲۵۲).

- بطور مسلم مریض بود و قصد محکمی دکتر داشت. (افغانی، شوهر آهو خانم، ۱۳۹۱، ص ۱۴۲) / (Afghani, Showhar _e Ahour Khanom ۱۴۲: p, ۱۳۹۱).
- گویا فقط در دواخانهی سلامت، در دهانهی سبزه میدان است که این قلم را می‌شود پیدا کرد، اینطور به ما گفتند. (افغانی، شوهر

آهو خانم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲) / (Afghani, Showhar _e Ahour ۱۵۲: p, ۱۳۹۱, Khanom).

در وجههای برداشتی، برداشت خواننده، و قضاوت وی از چارچوب و زاویهی نگاه خودش با توجه به آنچه از گوینده شنیده و با مفاهیم ذهنی خود تطبیق داده است صورت میپذیرد. رویکرد شناختی در موضوع گواهنمایی در این بخش نمود مییابد به ویژه وقتی از ساختهای وجهی در جهت قطببندی و قطعیت یا احتمال گزاره ها بهره میگیریم.

(پ) ساخت مجهول:

مجهولهای معنایی در زبانها بر گواهنمای غیرمستقیم دلالت میکند. استفاده از چنین ساختهای در زبان، نشانهی این است که گوینده، گواه در دسترسی ندارد. بیشتر نمونههایی که در الگوی گواه نمایی (ویلتن، ۱۹۸۸) / (Willett, ۱۹۸۸) با نام فولکور یا عامیانه وجود دارد تابع همین ساخت گواهنمایی در زبان میباشند. برخلاف متون علمی و مستند، در متون داستانی استفاده از این ساخت رایج و فراگیر است.

- از قدیم گفته‌اند، چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. (افغانی، شوهر آهو خانم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱) / (Afghani, Showhar _e Ahour ۱۵۱: p, ۱۳۹۱, Khanom).

- و چه راست گفته‌اند که تا حرص و آز در جان آدم لانه میکند، مرغ همسایه غاز مینماید. (همان، شوهر آهو خانم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱) / (Showhar _e Ahour Khanom, ۱۵۱: p, ۱۳۹۱).

ت) گزارش و نقل قول:

با اینکه گواهنمای گزارشی و نقل قولی گواهنمایی غیرمستقیم محسوب می‌گردد اما در زبان‌ها بسیار پرکاربرد است. نویسندگان و روایان در متون داستانی و روایتی از این نوع گواهنما بهره‌ی فراوان می‌گیرند اما نقش این ساختارها در این متون به اندازه‌ی متون علمی، ارجاعی و قابل استناد نیست.

- تو ... مگر خود تو نبودی که گفتی:
"برهی نر برای کار است؟" ها، مگر خود تو نبودی؟ این حرف را من فقط از زبان تو شنیده‌ام. (کلیدر، دولت ابادی، ۱۳۸۲ ص: ۲۲۵۸) / (p, ۱۳۸۲, Kelidar, Dowlatabadi, ۲۲۵۸).

- سید رضا پیغام داده که از مشهد برایش حکم رسیده. (همان، ۱۳۸۲ ص: ۲۲۶۰) / (p, ۱۳۸۲, ۲۲۶۰).

ث) واژه‌های گواهنما:

کاربرد عناصر واژگانی فعلی و غیر فعلی نیز در متون داستانی تابع قاعده‌ی خاصی نیست، بلکه برخلاف متون علمی نویسنده به راحتی از انواع واژگان برای روایت داستان و خلق صحنه‌های آن بهره می‌گیرد و در این زمینه محدودیتی ندارد.

گمان من اینست که آنها قصدشان اینست که عروسی ما را قتلگاهمان کنند. (همان، ۱۳۸۲، ص: ۲۲۶۶) / (p, ۱۳۸۲, ۲۲۶۶).

- هنوز هم شک دارم که آن روباه سر قولش مانده باشد. (همان، ۱۳۸۲، ص: ۲۲۶۶) /

(۱۳۸۲، p: ۲۲۶۶)

خدای محمد را شاهد می‌گیرم که اگر تو خودت را با کله به چاه هم بیندازی چشم برایت تر نکنم. (همان، ۱۳۸۲ ص: ۲۰۷۵) / (p, ۱۳۸۲, ۲۰۷۵).

طبق بررسی‌های انجام شده از متون زبان فارسی، تنها در متون نوشتاری علمی و گزارشی که مبنای اصولی و قاعده مند دارند ذکر منبع خبر ضروری است؛ در حالیکه در متون غیر علمی بیش از توجه به منبع خبر، چگونگی عملکرد گوینده در جلب اعتماد مخاطب و القاء مفهوم مورد نظر و نیز اعتبار بخشی به متن اهمیت به سزایی مییابد. گوینده یا نویسنده‌ی توانمند قادر است مطلب را به صورتی بیان نماید که از نحوی ابراز آن، تردیدی در درستیش از سوی مخاطب صورت نپذیرد. از اینرو، گواهنمایی میتواند به فن اختصاصی بیان مطلب در مورد جلب اعتماد و نگرش مثبت شنونده تعبیر گردد. این مسئله ارتباط میان گواهنمایی و منظور شناختی و گفتار را روشن مینماید.

در بررسی محتوای متون علمی شامل مقاله‌ها و کتاب‌های تخصصی، ساختار گواهنما‌های بکار رفته به ترتیب شامل گواهنما‌های ارجاعی و نقل قولی در قالب گزارش مستقیم یا غیرمستقیم با ذکر دقیق منبع خبر، گواهنما‌های واژگانی در برگیرنده‌ی گواهنمای اعتقادی یا استدلالی که بر پایی دانش اکتسابی گوینده حاصل شده‌اند و زمان و نمود غیر کامل برای بیان فرایند تحقیق و اصول علمی هستند. از مقایسه‌ی متون علمی با متون دیگر به ویژه روایات و داستان‌ها

مشخص می‌گردد، ویژگی‌های گواهنمایی معتبر و ارجاعی خاص متون علمی است. یک متن علمی میبایست واقع گرایانه بوده و از هرگونه تصور و خیال و استنباط به دور باشد. این در حالی است که روایتها معمولاً همراه با توصیفات و القاء عقیده و نظر شخصی راوی همراه بوده و اگر از ساختار گواهنمایی هم بهره برده باشد، در جهت تزیین و ترصیع متن و یا باور پذیر کردن رویداد در نظر خواننده بوده و به اندازه‌ی متون علمی از گواهنمای مستدل و معتبر برخوردار نمیشوند.

۶- نتیجه‌گیری

تأثیر اصول گفتارمانی بر تفاوت‌های زبان‌ها در ظهور و مکان نشان می‌دهد که مسأله تفاوت در نحوه بروز گواهنما‌ها در زبان‌های مختلف موضوع اصلی تحقیقات گواهنمایی است. از سوی دیگر، ساختارهای زبانی برای بیان مفاهیم معنایی و وجهی، قطعیت و قطبیت کلام گوینده، تایید درستی خبر و تأثیر بیشتر بر اطمینان مخاطب به کار می‌روند. در بررسی متون علمی، عناصری که نقش گواهنما را در فارسی ایفای می‌کنند و به حوزه‌ی فرانش بین افرادی زبان تعلق دارند، از جمله زمان و نمود افعال، وجه‌های وجهی، وجه التزامی، وجه برداشتی، وجه شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. این عناصر در متون علمی به عنوان ادله‌ی گواهنمایی و تأثیرگذار بر مخاطب به کار می‌روند و در تفهیم درستی و دقت خبر و اطلاع در متون علمی اهمیت دارند. گواهنمایی اغلب به صورت غیرمستقیم

در این متون ایجاد می‌شود و با استفاده از اجزاء زبانی مانند زمان و نمود افعال و ساختارهای وجهی تأثیری معنایی و اطلاعاتی به مخاطب منتقل می‌کنند. همچنین، در این متون اهمیت ارجاع دقیق به منابع و مشخصات منبع در خصوص اعتبار آنها آشکار می‌شود. به عنوان مثال، زمان و نمود افعال، مخاطب را در خبرهای مورد ارائه به میزان پابندی گوینده به درستی یا نادرستی خبر در جریان قرار می‌دهند. به طور کلی، این عناصر زبانی در تأثیرگذاری بر مخاطب و ایجاد اطمینان در متون علمی نقش بسزایی ایفای می‌کنند. دوفعل وجهی «بایستن و توانستن» در متون علمی نقش گواهنما را ایفای می‌کنند. این فعل‌ها مفهوم امکان و احتمال را به مخاطب منتقل می‌کنند و به مسئولیت‌پذیری گوینده نسبت به اظهارات خود اشاره می‌کنند. عناصر زبانی مانند قیدها و عناصر وجهی نیز در متون علمی برای تأکید، تأثیرگذاری و تضمین درستی و اطمینان به مخاطب به کار می‌روند. قیدهای تردید و احتمال کاسته‌ای در اعتبار متن‌های علمی دارند و به مخاطب آگاهی می‌دهند که گوینده در اثبات مطالب مسئولیتی به عهده نمی‌گیرد. ساخت مجهول نیز در این متون برای گواهنمایی متداول است و معمولاً به عنوان یک ابزار نشان‌داری در نوشتار و استفاده از امتیازات نشان‌داری زبان برای انتقال اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در متون داستانی، زمان و نمود افعال با توجه به زاویه دید راوی تغییر می‌کند. گوینده اگر بخواهد اظهار کند که خود شاهد رویداد بوده، از گواهنمای مستقیم، به خصوص

زمان‌نمودهای غیرکامل، به ویژه زمان گذشته‌ی ساده استفاده می‌کند تا مخاطب را متقاعد کند که خود این رویداد را دیده است. اما اگر بخواهد فاصله‌ای را از رویداد حفظ کند، امری را تکذیب کند یا مسئولیتی در قبولی یا ردی اطلاعات که ارائه می‌دهد نداشته باشد، از گواهنمای غیرمستقیم، به خصوص گواهنمای گزارشی استفاده می‌کند. تاکید بر این نقطه است که وقتی گوینده دست اول است یا از دیدگاه گوینده خود اظهار می‌شود، استفاده از این زمان‌نمود به شنونده یا خواننده اطمینان بیشتر و تصویرزادی القاء می‌کند. نقل قول‌ها در جایگاه گواهنمای غیرمستقیم معمولاً با نمود کامل و گاهی وجه التزامی همراه هستند. نقل قول‌ها در متون داستانی به وسیله گواهنمایی در متن روایی، داستانی، فضایی مجازی، خیالی و ذهنی ترسیم می‌شوند و تأثیرگذاری بر نگرش مخاطب در امر پذیرش خبر را بیشتر می‌کنند. در مقابل، در متون علمی، افراد، مکان‌ها و زمان‌های حقیقی استفاده می‌شوند که به خواننده کمک می‌کند واقعیت را نزدیک‌تر به واقعیت معتبر پیشنهاد دهد. این رویکرد نقش و کارکرد گواهنمایی را در تحلیل متون به تأثیر می‌گذارد. در متون زبان فارسی، ذکر منبع خبر و اصول ارجاع در متون علمی و گزارشی بسیار حیاتی و ضرور است. در این نوع متون، اهمیت بیشتری به اشتهار به منبع خبر و ایجاد اعتماد در مخاطب توجه داده می‌شود. نویسندگان یا گوینده توانایی دارد مطلب را به نحوی بیان کند که از درستی و قابل اعتماد بودن آن تردیدی در نظر مخاطب نیفتد. این تکنیک‌ها از موارد اساسی در تأثیرگذاری بر نگرش مثبت

و جلب اعتماد خواننده نسبت به مطلب در متون علمی و گزارشی است. در مقابل، در متون روایی و داستان‌ها، اهمیت بیشتری به روایت و ایجاد تأثیرات هنری و انطباق با داستان داده می‌شود. در این نوع متون، نویسنده ممکن است از ساختارها و تکنیک‌های گواهنمایی استفاده کند تا داستان را جذاب‌تر کند و خواننده را به دنیای داستانی خود جلب کند. به همین دلیل، گواهنمایی در متون داستانی معمولاً به منظور زیبایی‌بخشی به متن و ایجاد تأثیرات هنری بکار می‌رود. به طور خلاصه، در متون علمی و گزارشی، تأکید بر ارجاع به منبع و اعتماد به سبزی دارد، در حالی که در متون داستانی و روایی، تأکید بر روایت داستانی و تأثیرگذاری بر خواننده از اهمیت بالاتری برخوردار است.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- استاجی، اعظم. (۱۳۸۶). "پیدایش حروف اضافه از نام اندامهای بدن". دستور (ویژه نامه فرهنگستان). ۳ (۳). ص ۴۰-۵۱.
- افغانی، محمد علی. (۱۳۹۱). شوهرا هو خاتم (ویرایش بیستم). نشر نگاه. تهران.
- امیدواری، آرزو. (۱۳۹۲). "گواهنمایی در زبان فارسی: رویکردی ساختاری-معنایی". پایان نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- حلاجی ثانی، محمد فاضل؛ احمدی، الهام. (۱۳۸۹). "مطالعه زیست‌شناسی راب خاکستری (*Parmacella ibera*) و ارزیابی خسارت آن در باغهای مرکبات استان مازندران". فصلنامه گیاه پزشکی دانشگاه آزاد شیراز، ۲ (۳) ص ۱۸۵-۱۹۵.
- دبیر مقدم، محمد. (۱۳۸۳). زیان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی (ویرایش دوم). انتشارات سمت. تهران.
- دولت آبادی، محمود. (۱۳۸۲). کلیدر (ویرایش شانزدهم). انتشارات فرهنگ معاصر و نشر چشمه. تهران.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). خدمات متقابل اسلام و ایران (ویرایش سی و ششم). انتشارات صدرا. تهران.
- یار محمدی، لطف الله. (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان‌شناسی کاربردی و ترجمه. انتشارات نوید. شیراز.

References:

- Afghani, M.A. (۱۳۹۱). Showhar e Ahour Khanom (۲۰th Edition.). Negah publication. Tehran.
- Aghagolzadeh, F. (1385). Critical discourse analysis..Scientific and cultural publications. Tehran.
- Aikhenvald, A. Y. (2006). Evidentiality. Oxford University Press. New York.
- Barnes, J. (1984). "Evidentials in the Tayca Verb". International Journal of American Linguistics. 50,(3), pp:255-271.
- Coupland, N. & Jaworski, A. (1999). The Discourse Reader. Routledge publication. London.
- Dabir-Moghaddam, M.(1383). Theoretical Linguistics: Emergence and development of generative Grammar (2nd edition.). SAMT publication. Tehran.
- Dawlatabadi, M. (1382). Kelidar (16th edition.). Contemporary culture & Cheshmeh publication. Tehran.
- Halajisani, M., Ahmadi, E. (1389). "A study on biology of Parmacella ibera and its damage assessment in citrus orchards of Mazandaran province". Azad University , Shiraz, Quarterly journal of Medicinal plants , 2 (3). pp. 185-195.
- Halliday, M.A.K. & Christian, M. (2004). An Introduction to Functional Grammar (3rd edition.).
- Hardman, M. J.(1986). "Data-source marking in the Jaqi languages". in Chafe & Nichols (eds.).PP:۱۳۶-۱۳۳.
- Jakobson, R. (1957). Shifters, Verbal Categories and The Russian verbs. Cambridge. Harvard University Publication.
- Lazard, G. (2001). "On the grammaticalization of evidentiality". Journal of Pragmatics. 33(3). pp: 359-367.

المترجم وامانة نقل النص

The translator and the security of text transmission

أ.د. جاسم رشيد حلو(*)

prof. dr. Jasim Rashid Hulu

Jasimr.hulu@gmail.com

ملخص البحث:

لقد «تطورت الترجمة مع تطور لغات البشر ومعارفهم، وتوسعت ميادينها مع توسع ميادين نشاطاتهم الفكرية والفنية والأدبية والعلمية، وتعددت أنواعها بتعدد صيغ وأشكال الحاجة اليها حتى لم يعد كافياً ان يذكر اسم الترجمة دون ان تعقبه صفة توضح طبيعتها او ميدانها او اسلوبها او الغاية منها».

واللغة، هي الأداة الضرورية للاتصال الاجتماعي، والتفكير، وتبادل الأفكار، والتعبير عن انفعالات الانسان، سواء على مستوى المفردة او الصيغ النحوية، كما ان اللغة تؤدي وظيفة جمالية هدفها التأثير في الإحساس الجمالي لدى الانسان، الامر الذي نلمسه في أي نص ادبي. وان اللغة هي الأداة الرئيسة للترجمة بل وأكثر من هذا يمكن القول بان الترجمة نوع من أنواع السلوك اللغوي، وارتباط الترجمة باللغة ارتباط وثيق.

لقد كان المترجمون وما زالوا الوسطاء الأمناء بين الشعوب، فلمهم الفضل كل الفضل في تقصير المسافات بينها والتغلب على الحواجز اللغوية التي تفصل بينها. ولعل دور المترجم في عصر الثورة العلمية الذي نعيشه الان، هو اهم الأدوار وأكثرها خدمة لمجتمعنا ولامتتنا جمعاء.

(*) جامعة بغداد/ كلية اللغات/ قسم اللغة العبرية

Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge. Cambridge University Press.

Malmkjar, T.K. (2004). *The Linguistics Encyclopedia*. (2nd edition). Published by Routledge. New York and Canada.

Matthews, P. H. (1997). *The Concise Oxford Dictionary of Linguistics*. (1st edition) . Oxford University Press. Oxford. United Kingdom.

Motahari, M. (1387). *Mutual services of Islam and Iran* (36th edition.). Sadra Publications. Tehran.

Omidvari, A. (1392). “Evidence in Persian language: a structural-semantic approach”. Ph.D thesis. Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran.

Palmer, F. R. (2001). *Mood and Modality*. (2nd edition).Cambridge University Press. Cambridge. United Kingdom.

Staji, A. (1386). “The appearance of prepositions from the names of body parts. Grammer”, (Academy special issue) . 3 (3)pp: 40-51.

Willett, T. (1988). “ A Cross-linguistic Survey of the grammaticization of evidentiality Studies in Languages”. 12(1) ,pp: 51-97.

Yarmohammadi, L. (1372). *Sixteen articles in applied linguistics and translation*. Navid Publication. Shiraz.